

پویش و پایش

جنگ غزه: طوفان الاقصی و

مشت آهنین

پروای آینده ایران و ایران آینده برای ما هدف عالی است

طوفان الاقصی و

مهدی مطهرنیا



پویش و پایش

سیمرغ باریخ به مدیریت
زمان در کاخ زمین می
اندیشد.

گذشته دیگر قابل دسترس نیست، تنها
خاطراتی از آن در هزارتوی ذهن بر جای
مانده است؛ حال نیز فریبده و گریز پای
پرشتاب به گذشته می پیوندد و کوچک ترین
تأثیری بر نمی تاباند. اگر این گفته کاستون
باشلار را بپذیریم که:

بسمه تعالی

فراموش نکنیم :

آنان که به باریخ می اندیشند؛ تاریخ ساز می شوند.

- پیمایش :

- بافت موقعیتی context؛ و بافت موضوعی

بحران غزه از تاریخچه گسترده‌ای برخوردار است. این تاریخچه خود به تاریخ پریپنه‌ای اصطکاک شرایع آسمانی با یکدیگر باز می‌گردد که در خود طنز فلسفی تلخی را همراه دارد. همه‌ی پیروان ادیان خود را تابع و بنده‌ی خدایی می‌شمارند که احد و واحد است. پیامبران الهی نیز نه بر ضد یکدیگر؛ که در کنار هم تکمیل کننده‌ی یک آئین در بستر تاریخ هستند!!! اما در امرواقع و واقع امر و تجربه زیسته‌ی حیات آدمی، پیروان شرایع همواره بر یکدیگر تاخته اند یا بهتر است بگوئیم ابزار تاخت و تاز ارباب دین بر سر قدرت به نام خدا شده‌اند. از این رو جنگ کنونی در غزه :

۱- حامل بحران شدید مذهبی در بستر بنگاه داری دینی در محیط سیاسی است.

جهان در حال گذار از نظم کهن جهانی به نظم نوین در حال شکل گیری است. از ۱۹۹۰ و فروپاشی شوروی، و اعلام نظم نوین جهانی بوش در ۱۱ اکتبر ۱۹۹۱ تا اکنون در بحران غزه و جنگ حاصل از طوفان الاقصی دنیای پیرامونی ما به ویژه در "هارتلند نو و نوهارتلند" نظم بین المللی در حال گذار و به پیروی از آن بحران‌زی و بحران زا بوده است. اکنون در دهه چهارم از این گذار قرار داریم و دیگر زمانه‌ی کافی برای ادامه‌ی این وضعیت برای ورود به دهه پنجم وجود ندارد. بنابراین:

۲- جهان در حال گذار به نظم نوین جهانی است. وضعیت بحران زی و بحران را است. تحمل زمانه و وضعیت برای ادامه دوران گذار رو به پایان است.

آن چه خاورمیانه خوانده می شود در واقع قلب نظم بین‌المللی برای ارتزاق جامعه سیاسی حاکم بر واقعیت نظام بین‌المللی است. چیرگی بر منطقه و تقسیم قدرت در ابعاد گوناگون آن برای کنشگران اصلی نظام بین‌الملل در این منطقه از نظر ژواستراتژی؛ ژواکونومی؛ ژواکالچر؛ ژواسیوری و ... از اهمیت بنیانی برخوردار است. در قلب این منطقه ایران قرار دارد. اکنون کنترل ایران پس از تضعیف ناشی از نظام حکمرانی حاکم در تهران، خروجی‌ها و پیامدهای این حکمرانی در ساحت‌های سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نتایج و پیامدهای آن در این عرصه‌ها مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای است. ایران در این بافت موقعیتی دارای جایگاهی مهم است. دارای کدژئوپلتیک و ژنوم استراتژیک است. از نظر فرهنگی و تمدنی؛ از نظر مذهبی و ایدئولوژیک، و ... نیز بر این اهمیت تزايد بخشیده می‌شود. بر این اساس :

۳- ایران در مرکز پروای موضوع‌های منطقه‌ای توسط جامعه بین‌المللی قرار دارد.

جمهوری اسلامی ایران اذعان دارد که موسس بیداری اسلامی در دهه‌های گذشته و پشتیبان معنوی و حمایت کننده مادی در ابعاد گوناگون اقتصادی تا امنیتی و نظامی از گروه‌های جهادی است. اضافه شدن نیاز به پروپاگاندا در لایه‌های گوناگون از مرکزیت جامعه خودی‌ها تا غیر خودی‌ها در لایه‌های مختلف این جغرافیای اثرگذاری و اثرپذیری، نظام حاکم بر ایران امروز را به عنوان مرکز اصلی مقاومت در افکار عمومی در دو سطح کلان‌نخبگان و توده‌ها قرار داده است. شکل‌گیری محتوایی واژه سار "جنبش مقاومت" در همین بستر حاصل شده است. محور مقاومت متوجه مبارزه با آنچه استکبار جهانی خوانده می‌شود در سطح بین‌المللی به آمریکا و در سطح منطقه‌ای به اسرائیل اشاره دارد. تهران، خود را دارالاسلام و تجلی حق کامل و آن‌ها را باطل مطلق می‌داند. این معنا و تعریف انجام شده از آن با توجه به مواضع انقلابی در تهران و علنی کردن این رویکرد در بحران‌های گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی هویدا است.

۴- غایت توجه، انگشت اتهام را همواره به سمت تهران بازمی‌گرداند.

رویکرد مذهبی در ایران تمایل شدیدی به ایدئولوژی و از آن به کلام محوری پیدا نمود و با تأکید به رسالت الهی خود برای برپایی قسط با عملکردی ناموزون با شعارهای انقلابی خود هر چه بیشتر هزینه کرد اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی بر علیه خود را فزونی بخشید. در دهه پیشین و آغاز سال ۱۳۹۰ گفتم که جبهه موافقت

در برابر مقاومت ایجاد می شود. صلح موسوم به توافقنامه ابراهیم با رهیافت عربی - عبری - غربی ایجاد شد. این معنا موجب شد تا

○ ایران در اتمسفر دکترین امنیتی محدود سازی همکاری های بین المللی با ایران و محاصره منطقه ای تهران

○ تحت تحریم های کمرشکن متوجه انجام نرمش قهرمانانه در برابر آمریکا در پرونده هسته ای

○ بازی پیچیده منطقه ای و بین المللی در بهره مندی از برگ ایران در رقابت میان کنشگران بین المللی و منطقه ای با هم و با یکدیگر

○ تضعیف تهران در منطقه و در گستره ی بین المللی

○ ورود به بازی پیچیده جنگ هیبت و حیثیت در بحران هسته ای

○ برهم زدن توافقنامه برجام و ورود به صحنه ی عینی جنگ هیبت و حیثیت

- بنابر این:

۵- ایران در نهایت هر بحرانی به ویژه در این منطقه قرار دارد.

بر این اساس باید متوجه این امر باشیم که با برجام ایران وارد منطق پذیرش واقع امر "تعادل قدرت" شد. اما نتوانست به دلیل رقابت ها و رودرویی درون گفتمانی خود در این تعادل باقی بماند. برجام را با کد دلواپسان تضعیف کرد. سپس در آتش زدن آن در برابر پاره کردن برجام، آن را در معرض نوسان شدید قرار داد.

با امضاء برجام ایران از غرب برای سرمایه گذاری استقبال کرد و در همان حال شعارهای انقلابی خود و عملکرد منطقه ای و بین المللی خویش را برای حفظ گفتمان انقلابی در عرصه ی رقابت های داخلی به رخ کشید. بنابر این :

۶- تضعیف ایران در درون مایه "تفسیر لغزان از برجام" ادامه یافت و شعارهای انقلابی در عرصه داخلی اصطکاک و ریزش ناشی از آن را گسترش بخشید.

در سال ۲۰۱۸ با برگزیت و همداستانی بیشتر انگلیس با آمریکا سیاست های دو پایتخت کلاسیک و مدرن قدرت در دوران معاصر نسبت به ایران نزدیک شد. دکترین محدود سازی همکاری های بین المللی با ایران و محاصره منطقه ای تهران با رهبری آمریکا، مدیریت اسرائیل و پشتیبانی اعراب در بستر صلح ابراهیم گسترش یافت. نفت دیگر کالای استراتژیک نبود و چالش ایران انقلابی به عنوان یک

فرصت در حال رنگ باختن قرار گرفت. بهانه حضور و ظهور در منطقه به واسطه شعارهای کلام محورانه‌ی انقلابی صورت عینی یافته بود و اکنون باید این چالش به عنوان تهدیدی برای نظم منطقه‌ای و بین‌المللی پرده برداری می‌شد. از اینرو :

۷- دکترین تبدیل چالش ایران به تهدیدی برای نظم منطقه‌ای و نظام بین‌الملل برجسته‌تر از همیشه در همراهی واشنگتن و لندن مطرح شد.

در همین حال حجم نمایش ضعف درونی و لغزندگی اقدامات بیرونی با ترورهای پر هیبتی چون ترور سردار سلیمانی و فخری زاده و حملات شدید در داخل مرزهای ایران به هدف‌های تعیین شده؛ اقدامات جاسوسی ضربه زننده مانند خارج کردن مدارک از تهران و بازجویی از عناصر انقلابی در ماشین در تهران و ... زمینه‌های طرح :

۸- دکترین هزار ضربه با چاقو را به عنوان مکمل دکترین‌های آمریکایی به عنوان تعریف عملیاتی موضوع در برگرفت.

جنبش جدید در ایران و گسترش آن در سال ۱۴۰۱ و تحویل آن به سال بعد با فراز و نشیب‌های فراوان بسیار معنادار است. عکس‌العمل در برابر مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی پیش گفته به همراه نیاز داخلی به مدیریت گفتمان انقلابی در بستر موقعیت لغزان، حائلی از فشارهای بیرونی و تلاطمات درونی را موجب شده است نیاز به بازآفرینی انسجام دینی و اتحاد ملی رویکرد نمایش هیبت منطقه‌ای را بر می‌سازد. پس:

۹- نیاز به اقدام عملی برای حفظ روحیه ملی و هیبت انقلابی مورد نیاز است.

آمریکای بایدنی در سال آخر منتهی به انتخابات است. او از ضعیف‌ترین و دولت وی یکی از پیچیده‌ترین دولت‌های پنجاه سال اخیر در دولت فدرال است. بایدن تلاش کرد به برجام بازگردد. او به برجام بازگشت ولی هیچ‌گونه عقب‌نشینی در برابر ایران نداشت. به خواسته‌های ایران در دور پایانی مذاکرات گردن نگذاشت ولی با صبر زندانیان آمریکایی در تهران را مقابله کرد. او اسرائیل را حمایت کرد و در همان حال تلاش کرد فعالیت آن را بر علیه تهران رهبری و حتی مدیریت کند. او جنگ اوکراین را رهبری کرد و با استفاده از دولت چریکی موجود در کیف، پوتین را تضعیف نمود و حیثیت ارتش روسیه را لکه دار نمود. با این جنگ ارتباط روسیه با اروپا را محدود ساخت. امریکا چین را به چالش

کشید و باسفر پلوسی به تایوان و ... عزم چین برای رودرویی بیشتر را وزن کرد. اما با همه‌ی این مراتب از محبوبیت بسیار کمی برای انتخاب مجدد وی به عنوان رییس جمهور آینده آمریکا برخوردار است. بنابر همین جریان :

۱۰- دولت بایدن نیازمند یک پیروزی برجسته در انتخابات آینده است.

رئیزی در تهران مطلوب‌ترین و بایسته‌ترین قوه مجریه باب میل نظام جمهوری اسلامی را تشکیل داده است. جامعه حکومتی - اجرایی خوشایند نظام جمهوری اسلامی است. وضعیت ایران امروز با حاکمیت گفتمان انقلابی باید در بایسته‌ترین وضعیت در نیروهای پیش‌برنده باشد؛ اما در تمام وجوه با لرزش درونی و فشار برونی فزاینده روبرو است. امکان ریزش نیروهای طرفدار اصیل به احتمالی قابل ردیابی تبدیل شده است. از طرفی گریز از فشارهای درونی نیازمند یک جریان برونی و ایجاد کننده وحدت ملی و امکان بسیج سیاسی نیروهای خودی است. در همین حال ایران باید برای فضا سازی استوار بر شعارهای انقلابی خود پس از عقب‌نشینی از انتقام سخت و برخورد با ریاض و ... زمینه‌های لازم را فراهم سازد. پس :

۱۱- طوفان الاقصی می تواند بیان کننده همان طوفانی باشد که عالی ترین مقام دینی و سیاسی در ساختار قدرت حاکمیتی - حکومتی در ایران بیان کرد.

در اسرائیل بالاترین میزان واگرایی دهه های اخیر به خاطر تلاش نتنیاها و طرفدارانش در تل‌آویو برای بازنگری در قوانین قضایی ایجاد شده بود. به این ترتیب بهترین موقعیت احتمالی ایجاد شد تا در تل‌آویو دولت اضطراری ایجاد شود. همگرایی هر چند موقت به نمایش گذاشته شد و در برابر طوفان الاقصی بار دیگر عملیات مشت آهنین آغاز شد. در برابر حمله و به اسارت گرفتن اسرائیلی ها شاهد ایجاد فضایی سخت از برخورد هستیم تا جایی که شاهد کشته شدن و زخمی شدن بسیاری از تابعین نظام های حکومتی در غزه و تل آویو شدیم. از این رو:

۱۲- این ماجرا برای شخص نتانیاها و اسرائیل از اهمیت بسیار بالا برخوردار است. از این رو به صورت یک "ضدواقعه anti incident مورد استفاده قرار گرفت.